

## عقیده و برهان

چرا عقاید مخالف منطق پیدا می‌شود - عقاید مولود  
منطق و برهان نیست - وجود ادیان مختلفه و تناقض آراء  
عقلاء و فلاسفه، مؤید این نظریه است - چیزهایی که در  
تکوین عقیده مؤثر است - آب و هوا - مزاج شخصی - ارث -  
تریت - محیط اجتماعی - اهواء و اغراض - دلائل خطائی

شاید برای همه شما اتفاق افتاده است که تعجب کرده اید از  
اینکه چرا مردم به بعضی از اوهام معتقدند. یا اینکه عقاید غیر  
منطقی از خود بروز میدهند و در بعضی معتقدات مخالف دلیل  
و برهان سماجت میکنند.

۳۰

چون انسان برای هر چیزی باید علت تراشی کند، وقتی  
باین قبیل قضایا مصادف میشود، طرف مقابل را بحماقت و نادانی  
و بی بصیرتی محکوم میکند؛ زیرا علت دیگری برای رسوخ  
این گونه عقاید مخالف منطق و برهان نمیتواند تصور آید و از  
طرف دیگر، طبیعت بشری مخالف تردید و حیرت است، لذا  
علت را نادانی و بی علمی و از این قبیل فقدانها فرض میکند.  
این اشتباه است زیرا عقاید مطلقاً مولود دلیل و برهان نیست  
و این اشتباه از اینجا ناشی شده است که عموماً عقاید را نتیجه  
دلیل و برهان میدانند، در صورتیکه تکوین عقیده در نفوس اشخاص  
قبل از مراجعه بدلائل مؤیده آن صورت میگردد و قبل از دلیل  
عوامل مهمه دیگری در تکوین عقاید مؤثر است.

تنها شخصی که این بحث را بطور کافی نوشته و عمیقانه

تحقیقاتی در این باب نموده نویسنده مشهور فرانسه دکتر گوستاولوبون است

کتاب les épinions et les croyances ( عقاید و ایمانها ) او، که هنوز مثل سایر کتب مفیده بفارسی ترجمه نشده و متأسفانه غیر از يك مقاله ای که امیل زیدان راجع بمطالب این کتاب، در یکی از نمرات الهلال نه یا ده سال قبل نوشته بود، چیزی از این کتاب را ندیده ایم

وجود ادیان و مذاهب متعدده ، منظره پر از اختلاف دنیا، تباین آراء سیاسی و اجتماعی و فلسفی . تناقض فرق و شدت منازعه آنها ، اختلاف عقیده دونفر عالم یا با هوش یا فیلسوف - همه اینها این نظریه را تأیید میکنند که عقائد بر نفوس بشری مولود منطق و دلیل نیستند، زیرا احکام دلیل و منطق نمیتواند متناقض باشد . ممکن نیست برهان ، دوعقیده متضاد را ایجاد نماید ؛ پس بطور حتم در هر قضیه مختلفه، منطق وبرهان يك طرف را تأیید میکند و عقائد طرف دیگر بدون منطق باقی میماند، در صورتیکه هر دو طرف قضیه در تشبث بعقائد مثل یکدیگرند ؛ بلکه احیاناً عقائد غیر متکی بمنطق راسخ تر و در اجتماع بیشتر منشاء اثر است و غالباً عقائدیکه زائیده شده برهان هستند سرد و غیر مقرون بحماست و تعصب هستند

اول عقیده بعدبرهان، اول عقیده پیدا میشود بعدانسان برای تأیید آن دلیل میتراشد

عقیده را عوامل نیرومند تر از منطق در نفوس بشری ایجاد میکنند

چیزهاییکه در تکوین عقاید بیشتر از منطق و دلیل مؤثر است

## ۱ - آب و هوا

آب و هوا مؤثر ترین علل ایجاد عقائد مختلفه است زیرا مؤثرترین علل تکوین مزاج عقلی و هویت اخلاقی ملل است. علت اختلاف ملل دنیا در طرز فکر کردن و علت اختلاف اخلاق و روحیات ملل دنیا ، اولاً بالذات مقتضیات محیط طبیعی است . یعنی آنچه‌یکه ملت یونان را در طرز شکر گفتن ، بنائی ، حجاری ، فلسفی و رژیم حکومت از ملت هند یا ملت چین ممتاز نموده و برای آنها یک نوع تمدنی ، بکلی متغایر با مدنیت هند یا تمدن چین ، ایجاد کرده است فقط آب و هوا و مؤثرات طبیعی محیط زندگانی آنهاست

۳۲

وقتی این نکته را در نظر گرفتیم که آب و هوای هر مملکتی در تکوین روحیات و طرز ادراکات ملل اولین مؤثر است ، بالطبع اثر آنها در پیدایش عقیده اذعان کرده‌ایم ؛ زیرا قبول یک عقیده و تکوین آن شدیداً بروحیات و ادراکات سوق الطبیعه نفوس بشری مربوط است.

طرز فکر کردن و نتیجه گرفتن و غرائز ملت هند ، آنها را برای قبول یک سنخ عقایدی حاضر و آماده میکنند که ملت انگلیس برای قبول آن حاضر نیست.

هر ملتی یک‌طور دیگری فکر میکند و یک سنخ معتقدات دیگری دارد که آن معتقدات مولود افکار و ملکات قومی آنها است و از همین لحاظ است که دیباتهای مبادی اجتماعی و سیاسی در

تمام ملل يك درجه مساوی قابل نشو و نما نیست و بهمین جهت است که يك دیانت واحده، در ملل مختلفه، به اشکال مختلفه ظاهر میشود: اسلام جاوه و هند و ایران و حجاز مڈل یکدیگر نیستند. انسان اولاً بدین اراده مہیای تصدیق يك سنخ عقاید و مہیای تکذیب يك نوع معتقدات است - این تصدیق و تکذیب ابدأ مربوط باراده او یا دلائل منطقی نیست، مربوط بساختمان فکری ملت او مربوط باستعدادات دهانگی و طرز فکر کردن نژاد اوست. تا این جا اختلاف عقائد ملل را اشاره کردیم. اما اختلاف عقائد افراد يك ملت تابع عوامل طبیعی دیگری است مانند مزاج، میراث، تربیت، محیط اجتماعی، اهواء و اغراض که ذیلاً بدانها اشاره میکنیم

## ۲ - مزاج شخصی

چون عقیده یکی از مظاهر حیات عقلی است و عقل تابع مزاج و ساختمان بدنی است، مزاج شخصی در تمایل بعقائد مختلفه خیلی مؤثر است: طرز تفکر و تصورات يك شخص مسلول مایوس از حیات و تمایل اوباراء مختلفه، با يك شخص سالم و تندرست خیلی متفاوت خواهد بود همچنانکه يك شخص عصبی المزاج و يك شخص لمفاتیک مثل هم در قضایا حکمیت نمیکند. در يك قضیه واحده که شخص عصبانی را تکان میدهد، لمفاتیک را از سر جای خود حرکت نمیدهد؛ او ممکن است گریه کند و این بشاش باشد او از افکار متشنج موحش لذت میبرد و این متفر است و بالطبع در يك فکر و رانی که بر آنها القا شود، در قبول آن با یکدیگر متناقض هستند

## ۳ - ارث

همانطوریکه اغلب امراض و خصائص بدنی انسان میراث پدر و مادر و اجداد است، مزایای دماغی و خصائص عقلی و روحی نیز بآرث میرسد و در طی این میراث عقلی و روحی است که زمینه قبول عقاید مخصوصه‌ای نیز بانسان داده میشود

## ۴ - تربیت

طرز تربیت اولیه از زندگانی فامیلی گرفته تا مدرسه - یکی از عوامل مهمه است در تهیه زمینه برای قبول عقاید مخصوصه‌ای؛ مثل اینکه استمداد مخصوصی را در انسان تولید میکند: مثلا در خانواده هائیکه طفل را با اصول اتکالی پرورش میدهند، انسان بعد ها برای قبول هر فکری که جنبه اتکالی آن بیشتر باشد حاضر تر است. هر فکری که به تلقیات اولیه فامیلی و تعلیمات ابتدائی مدرسه نزدیکتر است، شخص برای قبول آن آماده تر خواهد بود و لو اینکه بی منطق باشد؛ احیاناً دیده شده است که يك شخص منورالفکری، با عدم عقیده بزننده شدن مرده و بودن جن دیو، با آن قیافه موحشی که در افسانه های ایام طفولیت موجود است، از تاریکی و از قبرستان میترسد و در عین حال منطق را برضد این ترس نامعقول خود مشاهده میکند، مع ذلك نمیتواند از عزائز خود که آرث باو داده و تربیت اولیه نیز آنها تقویت کرده است، منصرف شود. اینگونه اشخاص اگر با آراء فلاماربون و آراء هکل و دارون مصادف شوند، بطور حتم آراء فلا ماربون را ترجیح میدهند

## ۵. محیط اجتماعی

محیط اجتماعی بیشتر از اغلب عوامل در تکوین و تطور معتقدات بشر مؤثر است؛ برای اینکه عقیده از حرکات و انفعالات سطحی دماغ است و برای پیدایش آن تعمق و فکر لازم نیست، فقط تکرار مشاهدات میتواند بکلی عقاید اولیه انسان را از دست انسان بگیرد و تطور فکری و روحی را ایجاد کند. هر کسیکه در محیط های مختلفه اجتماعی زندگانی نموده است، میتواند این نظریه را کاملاً آزمایش نموده و اعتراف کند در تغییر محیط اجتماعی، طرز فکر و عقیده او متفاوت شده است. در ایام جنگ و مشاجرات سیاسی یا دینی که اجتماع متشنج و عبوس میشود این حقیقت بیشتر ظاهر میشود که اشخاص بدون اراده و بدون تعقل و تفکر داخل پارتی ها شده و کارهایی میکنند که بعد از ختم قضایا و آرام شدن محیط، از مراجعۀ بد آنها متحیر و احياناً خجل میشوند

## ۶ - اهوا و اغراض

شاید طهرانها خیال کنند غرض ورزیهای سیاست بافان و تلون عقیده که هر روز برای منافع شخصی از آنها بروزی کنند جزء این قسمت است.

خیر، اینهایی که در محیط سیاست طهران دیده میشود عقیده نیست ولی عقائد دنیا يك قسمت مهم آن بر روی اغراض و امیال طبقاتی تکیه دارد. پیدایش و تعمیم فکر سوسیالیزمی در دنیا مبنی بر همین اغراض است؛ یعنی همانطوریکه کارگران و زحمت کشانی که دست قوانین و نظامات جاریه بیرحمانه بر سر

آنها فرود آمده است و زندگانی آنها سراسر زحمت و ناکامی، مجاهدت و محرومیت، سعی و پریشانی است، برای قبول فکر سوسیالیزمی حاضر و مهیا هستند، طبقه مستخدم دولت و سرمایه‌دار و ملاک حاضر نیست.

نمیخواهیم بگوئیم که ملاک و صاحب کارخانه فکر میکند و تعمق میکند و می بیند اگر اصول سوسیالیزم در دنیا پیدا شده، زندگانی آسوده و تجمل آمیز آنها مختل میشود؛ خیر آن طبقه ای که در آسایش و رفاهیت است اصلاً نمیتواند مبادی سوسیالیزم را معقول و قابل اجراء تصور کند، اساساً عقیده دارد که این يك فکر سخیفی است، ولو اینکه از زندگانی شخصی خود هم مطمئن باشد. همین طور کارگر و زحمت کش چون يك درجه امیدی را سوسیالیزم بر روی او میکشاید، ابدأ درجه معقولیت و منطقی بودن آنرا، و اینکه آیا تا چه درجه ای قابل اجراء هست، فکر نمیکند و قبول مینماید.

۳۶

## ۷ - دلائل خطابی

اگر دلائل در ایجاد عقیده مؤثر باشد فقط دلائل خطابی است یعنی تقریبات و استحسانات و تکرار يك مطلب، لذا بهترین خطبا و بلغاء آنهایی نیستند که بیشتر مطالب خود را بمبادی علمی و اصول منطق و برهان تکیه دهند، بلکه آسانی بهتر میتوانند زمامدار عقاید واقع شوند و خطبه آنها در عقاید مؤثر تر است که بیشتر تقریبات و محسنات ذکر کنند و به تعبیراتی متشبه شوند که موافق روح مستمعین باشد و بمبادی

فکری آنها نزدیک تر باشد .  
تقریباً اینها عوامل اولیه تکوین عقاید هستند و انسان قبل از  
اینکه بدلائل و براهین مؤیده يك عقیده مراجعه کند ، بدون  
اراده و التفات در تحت تاثیر آن می رود .

\* \* \*

سطور فوق وقتی بنظر آقایان نفیسی و یاسمی رسید گفتند  
ما بین انشتین ، ریاضی دان معروف آلمان ، و هانری برکسون  
فیلسوف فرانسوی تناقض رأی موجوداست که در مقدمات و  
دلائل بایکدیگر شریکند ولی در نتیجه بکلی مخالف یکدیگر میشوند  
سر تباین عقاید و اختلاف آراء سائده بر جماعات و افراد  
بشری را بعقیده ما ، این نظریه پسیکولوژی حل میکند .



از عقاید مصریان قدیم

پژوهشگاه علوم جمل و مطالعات فرهنگی

جمل ، با همه کثافت و پستی معیشتی ، در عقیده مصریان  
قدیم مقدس و بدرجه عبادت محترم بود . بر اغلب آثار قدیمه  
مصر صورت این حیوان نقش شده است حتی آنرا بر روی جواهر  
نقش کرده و مانند طلسم با جسد مردگان میکذاشتند که ارواح  
دنیته را براند . آنرا رمز زندگانی میدانستند زیرا جنس ماده آنرا  
تشخیص نداده و تصور میکردند بدون توالد پیدا میشوند و غالباً  
علامت ارزانی نیز بشمار میرفت . زنهای مصر برای آبتن  
شدن آنرا میخوردند .